

مناطقى كه بيگانگان را در آن راهى نبود

۱۰ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۱۵:۳۸

از آنجا كه عشایر غارت را منبع درآمد قانونى مى دانستند، هر بيگانه كه پایش به مناطق قدرت آنان باز مى شد در معرض اين خطر بود كه جز پيراهن، كليه دار و ندارش را به يغما ببرند.

زندگى عشایر به دليل عدم يکجانشىنى، ساخت اجتماعى چندان پيچيده اى نداشت و مهمترين اولويتهاى آن به تأمین غذا و امنيت محدود بود. موضوع حفظ امنيت از بسيارى از عشایر مردانى سواركار و جنگجو ساخته بود؛ از اين رو بيگانگان، به راحتى نمى توانستند به مناطق آنان نفوذ کنند. از سويى تأمین نيازهاى غذايى نيز باعث شده بود تا بسيارى از آنان در زمان قحطى و فقر، به اقداماتى چون غارت متوسل کردند:

«مشكل عشایر پيچيده تر از اين بود، چه اينها يك پنجم كل سکنه ايران را تشكيل مى دادند و تقريباً در استقلال كامل بسر مى بردند. اينها به تفنگهاى جديد مسلح بودند، چندين هزار سوار در اختيار داشتند و در كوهستانهاى موطن خود قدرت جنگى قابل ملاحظه اى بشمار مى آمدند. چون غارت را منبع درآمد قانونى مى دانستند، هر بيگانه كه پایش به مناطق قدرت آنان باز مى شد در معرض اين خطر بود كه جز پيراهن، كليه دار و ندارش را به يغما ببرند. براى اينكه اعضاى هيات را از اين مخاطره مصون بداريم روابطى با مهمترين خانهاى عشایر برقرار كرديم، اما گاه و بيگاه حفظ اين روابط به علت وجود تضاد منافع بين سران عشایر كارى مشكل مى شد و در اثر سياستهاى داخلى پيچيده و در هم و بر هم عشایرى از اثر مى افتاد. نظر بر اين بود كه به عشایر در سرزمينهاى كه براى ما مهم بود مبالغى به عنوان حقوق افتخارى پرداخته شود و آنها در عوض حمايت اعضاى هيات را در منطقه خود بعهده بگيرند.»

منبع: ويبرت بلوشر، سفرنامه بلوشر، ترجمه كيكاووس جهاندارى، تهران، انتشارات خوارزمى، ۱۳۶۹، ص ۴۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48943/نبود-راهی-بیگانگان-مناطق/>